

نقدی بر فلسفه یونان

www.ketab.ir

سیدعابد رضوی

سرشناسه	: رضوی، سیدعابد، ۱۳۵۴ھ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقدی بر فلسفہ یونان / عابد رضوی.
مشخصات نشر	: قم: مهر امیرالمومنین (ع) ۱۳۹۵.
مشخصات ظاہری	: ۲۵۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۹-۲۷۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م. — نقد و تفسیر
موضوع	: Plato -- Criticism and interpretation
موضوع	: ارسطو، ۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م. — نقد و تفسیر
موضوع	: Aristotle -- Criticism and interpretation
موضوع	: فلاطین، ۲۰۴ - ۲۷۰ م. — نقد و تفسیر
موضوع	: Plotinus -- Criticism and interpretation
موضوع	: فلسفہ یونانی
موضوع	: Philosophy, Greek
موضوع	: فیلسوفان یونانی
موضوع	: Philosophers -- Greece
رده بندی کنگره	: ۸۵۰ ۱۳۹۵ ۷/۶
رده بندی دیویی	: ۱۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۴۳۲۹۸



عنوان: نقدی بر فلسفہ یونان

مؤلف: سید عابد رضوی

ناشر: مهر امیرالمومنین (ع)

چاپ: کمال الملک

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۹-۲۷۵-۴

کلیہ حقوق محفوظ است.

مرکز پخش: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقہ ششم، پلاک ۶۲۲

تلفن: ۰۹۱۲۲۷۵۲۰۲۹

شمارہ تماس مولف: ۰۹۱۹ ۳۵۹ ۳۵۳۹

فصل اول: سرزمین یونان و دین آن ----- {۵}

۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول
۱۷	سرزمین یونان و دین آن
۱۸	۱- جغرافیای یونان باستان
۲۰	۲- تاریخ یونان باستان
۲۵	۳- دین یونان باستان، مبنای فلسفه یونان
۵۴	فصل دوم
۵۴	فلسفه یونان، شرح دین یونان باستان
۵۵	۱- فلسفه یونان، شرح دین یونان بوده است
۶۶	۲- فلسفه یونان عقلانیت ادبی است
۶۷	۳- اثرات فلسفه شرق بر فلسفه یونان
۷۱	۴- اثرات ایران بر فلسفه یونان
۷۵	فصل سوم
۷۵	فلاسفه یونان بعنوان مفسران و شارحان دین یونان
۷۸	۱- سقراط
۷۸	سقراط و بت پرستی
۸۲	۲- افلاطون
۸۳	مبنای فلسفه افلاطون
۸۹	افلاطون و طبیعیات
۹۰	به نظر افلاطون، ستاره شناس ها تبدیل به پرنده شدند
۹۱	افلاطون سزای کسانی را که فیلسوف نیستند چنین بیان می کند
۹۱	افلاطون: انسان با تقوا اگر فیلسوف نباشد بعد از مرگ تبدیل به زنبور یا مورچه می شود
۹۲	تناسخ و افلاطون
۹۳	افلاطون: جهان از روی الگوئی ساخته شده است
۹۳	افلاطون معتقد است، جهان بی هدف آفریده شده است
۹۴	افلاطون می گوید: جهان روح و عقل دارد
۹۴	افلاطون می گوید: انسان را خدایان جوان، آفریدند

- ۹۵..... افلاطون می گوید: جهان دارای روح و خرد است
- ۹۷..... سیر تکامل (صعود) و تنزل
- ۹۹..... افلاطون و مابعدالطبیعت
- ۹۹..... افلاطون و بت پرستی
- ۱۰۱..... افلاطون یک راهب (روحانی) بت پرستان
- ۱۰۱..... افلاطون کسی را که به خدایان یونان پشت کند دشمن تفکر می نامد
- ۱۰۲..... افلاطون بت پرست، تاریخچه پیدایش خدایان را بیان می کند
- افلاطون کسی که دست التماس به درگاه همه خدایان یونان بر ندارد را دیوانه می نامد
- ۱۰۳.....
- ۱۰۳..... افلاطون به حاضر و ناظر بودن بتها بر اعمال انسانها، عقیده دارد
- ۱۰۳..... افلاطون میگوید: بدترین شاه، سخن ناروا در باره خدایان است
- ۱۰۴..... زئوس آموزگار حکمت و فلسفه است
- ۱۰۴..... افلاطون معتقد است: باید برای خدایان با فرزندان خدایان بت خانه برپا کنیم
- افلاطون به عنوان یک راهب بزرگ (مفتی) دین بت پرستی، برای بت پرستان قوانین (احکام) می نویسد
- ۱۰۵.....
- افلاطون بعنوان راهب بزرگ (مفتی) دین یونان در مورد بتخانه ها قوانین (احکام) می نویسد
- ۱۰۵.....
- ۱۰۶..... افلاطون هدف از دنیا آوردن فرزند را بجا گذاشتن پرستندگان بت ها میداند
- ۱۰۶..... افلاطون و وجوهای بت خانه
- ۱۰۷..... افلاطون و قوانین (احکام) ازدواج
- ۱۰۷..... افلاطون و قوانین (احکام) ساختن معابد بت پرستان
- ۱۰۷..... افلاطون راه درست زندگی را به فلاسفه مسلمان، یاد می دهد
- ۱۰۷..... افلاطون میگوید: ما فقط عروسکانی در دست خدایان ایم
- ۱۰۸..... افلاطون قوانین (احکام) قربانی کردن در بارگاه بت ها را بیان میکند
- ۱۰۸..... افلاطون می گوید: همه باید عقیده ای استوار به بت ها داشته باشند
- ۱۰۹..... افلاطون می گوید: بت ها چوپان اند و ما گله های آنان هستیم
- ۱۰۹..... افلاطون تعصبی شدید در دین بت پرستی دارد
- ۱۰۹..... افلاطون برای کسی که به بت های یونان بی ایمان شود، حبس ابد را پیشنهاد میکند

فصل اول: سرزمین یونان و دین آن ----- {۷}

- افلاطون: کسی که بت ها را به سخره بگیرد برای آن کیفر اعدام نیز کم است ۱۱۰
- افلاطون: اجرای مراسم دینی بت پرستان کار آسانی نیست و به بینشی خاص احتیاج دارد ۱۱۰
- افلاطون معتقد است: روح خورشید، خداست ۱۱۱
- افلاطون به عنوان یک راهب بزرگ (مفتی)، برای بت پرستان قوانین می نویسد ۱۱۳
- آکادمی افلاطون مدرسه دینی، بت پرستان بود ۱۱۳
- افلاطون می گوید: پیدا کردن صانع و سازنده این جهان البته دشوار است ۱۱۴
- افلاطون و انکار علم و قدرت خدا ۱۱۵
- افلاطون و بهره رستی ۱۱۵
- صدای ستارگان ۱۱۶
- افلاطون و عقل فعال و نفس کلی جهان ۱۱۶
- افلاطون معتقد به ازلیت و ابدیت جهان است ۱۱۷
- افلاطون و اخلاق ۱۲۰
- ۲- افلاطون، شراب را بزرگترین سعادت، برابر با شکر معرفی می کند ۱۲۰
- ۳- افلاطون و تجویز دروغ ۱۲۰
- افلاطون و تجویز همجنس بازی ۱۲۶
- عشق در نگاه افلاطون ۱۳۴
- افلاطون و سیاست ۱۳۸
- افلاطون در آثار فلاسفه مسلمان ۱۴۹
- افلاطون در مکتب اشراق ۱۴۹
- افلاطون و صدرائیان ۱۵۱
- ۳- ارسطو ۱۵۶
- ارسطو در آثار خویش ۱۵۸
- ارسطو و طبیعتات ۱۶۰
- ارسطو کیهان را ازلی و ابدی می داند ۱۶۱
- تفسیر اساطیری ارسطو از طبیعت ۱۶۲
- ارسطو و معرفت شناسی ۱۶۳
- در نگاه ارسطو، ارزش معرفت برای خود معرفت است نه برای رسیدن به خدا ۱۶۳

- ۱۶۳.....ارسطو منبع شناخت را حس میداند
- ۱۶۴.....کلی بافی ارسطو
- ۱۶۸.....نظرات ارسطو بزرگترین سدّ در برابر پیشرفت بوده است
- ۱۶۸.....ارسطو بزرگترین مانع در راه علم است
- ۱۶۹.....ارسطو و مابعدالطبیعت
- ۱۶۹.....ارسطو و بت پرستی
- ۱۷۱.....ارسطو در مراسم بت پرستی هر کاری را جائز میداند
- ۱۷۱.....ارسطو برای بت پرستان عبادت گاه های طبقاتی پیشنهاد می کند
- ۱۷۱.....ارسطو بعنوان سبب در مورد حضور زنان حامله در بت خانه ها قوانین می نویسد
- ۱۷۲.....ارسطو می گوید: بزرگداشت خدایان فقط کار شهروندان (اشراف) است
- ۱۷۲.....ارسطو خالق چهار را یک نمی داند
- ۱۷۲.....ارسطو بجای خدا، عقل کیهانی را علت زیبایی جهان می داند
- ۱۷۲.....ارسطو به کفر پرستش خورسید شاه مبتلا بود
- ۱۷۲.....ارسطو خدا را مساوی با حیوان و ناقد فضیلت می شمرد
- ۱۷۳.....ارسطو خدا را تنها یکی از علل کائنات می داند
- ۱۷۳.....ارسطو، زئوس (بت شهوت پرست وهمجنس باز) را، خدای فرمانروای جهان میداند
- ۱۷۳.....تعداد خدایان از نگاه ارسطو پنجاه و پنج تاست
- ۱۷۴.....تعدد خدایان ارسطو در نگاه فلوطین
- ۱۷۴.....ارسطو قدرت خدا را انکار می کند
- ۱۷۴.....ارسطو علم خدا را انکار می کند
- ۱۷۵.....ارسطو و مدح هکتور (یکی از بت های یونان)
- ۱۷۵.....ارسطو و ستاره پرستی
- ۱۷۷.....ارسطو مانند افلاطون و دیگر یونانیان ستارگان را خدا میداند
- ۱۷۷.....ارسطو می گوید: انسان با فضیلت تبدیل به خدا می شود
- ۱۷۷.....ارسطو معتقد است که روح با جسم از بین می رود
- ۱۷۸.....از نظر ارسطو، خدا به امور زمینی کاری ندارد
- ۱۷۸.....از نگاه ارسطو خدا خالق نیست
- ۱۸۰.....ارسطو معتقد است که روح با بدن از بین می رود

- ۱۸۱..... ارسطو و اخلاق.
- ۱۸۱..... عدالت در نگاه ارسطو.
- ۱۸۲..... ارسطو میگوید: شهروند خوب نمی تواند آدم خوب باشد او از شهروند حمایت میکند.
- ۱۸۳..... ارسطو می گوید: بی تقوای رذیلت نیست.
- ۱۸۳..... به نظر ارسطو لذت ، خیر اعلی است.
- ۱۸۳..... به نظر ارسطو ناپرهیزگار (بی تقوی) کیست؟
- ۱۸۴..... ارسطو و سقط جنین.
- ۱۸۴..... ارسطو مردم را از دوست شدن با بردگان منع می کند.
- ۱۸۴..... ارسطو می گوید: انسانی که زیر شکنجه است (ولو بخاطر حق) نمی تواند سعادتمند باشد.
- ۱۸۴..... در آثار ارسطو نیکخواه و بشر دوستی وجود ندارد.
- ۱۸۵..... در آثار ارسطو فقر باطنی وجود دارد و کمک به هموع و انسان دوستی دیده نمی شود.
- ۱۸۵..... ارسطو و بی بند و باری.
- ۱۸۶..... ارسطو و موسیقی خشن.
- ۱۸۶..... ارسطو و کشتن ناقص العضو ها.
- ۱۸۷..... ارسطو و سیاست.
- ۱۸۸..... ارسطو و حکومت فلاسفه.
- ۱۸۸..... ارسطو می گوید: سعادت یعنی ثروت.
- ۱۸۹..... ارسطو و تحقیر زنان.
- ۱۸۹..... ارسطو مانند ماکیاولی حيله گری را جائز می داند.
- ۱۹۱..... ارسطو نظام ظالمانه طبقاتی یونان را تأیید و تجویز می نماید.
- ۱۹۱..... ارسطو از نظام دیکتاتوری دفاع می کند.
- ۱۹۱..... ارسطو می گوید: هدف ، وسیله را توجیه میکند.
- ۱۹۱..... ارسطو برابری در حقوق را انکار می کند.
- ۱۹۲..... ارسطو می گوید همه امکانات باید به فلاسفه اختصاص یابد.
- ۱۹۲..... ارسطو بعنوان فتنه گر، جنگ.
- ۱۹۳..... ارسطو برای حفظ قدرت، هرنوع جنایت و اعدام را تجویز می کند.
- ۱۹۳..... ارسطو معتقد است کار کردن موجب پستی است.
- ۱۹۳..... ارسطو آموزش و پرورش را مخصوص شهروندان (اشراف) می داند.

{ ۱۰ } ----- تقدی بر فلسفه یونان

- ارسطو ، هدف دولت را پرورش اشراف با فرهنگ می داند و کاری با عموم مردم ندارد ۱۹۴
- ارسطو و فریبکاری ۱۹۴
- ارسطو و نژادپرستی ۱۹۴
- برده ساختن غیر یونانی ها ۱۹۵
- ارسطو استعمار را جائز می داند ۱۹۶
- ارسطو و دموکراسی ۱۹۷
- در نگاه ارسطو شهروندان چه کسانی هستند؟ ۱۹۸
- ارسطو و اقتصاد ۱۹۹
- ارسطو در نگاه پیروان مسلمان خویش ۲۰۰
- ارسطو در نگاه پیروان اندیشه مشائی جهان اسلام ۲۰۰
- ارسطو در نگاه پیروان اندیشه اشراقی جهان اسلام ۲۰۱
- ارسطو در نگاه پیروان اندیشه صدرائی ۲۰۲
- فهرست نمونه ای از ریشه یابی مطالب صدرائیسیم در فلسفه ارسطو ۲۰۹
- اسکندر فیلسوف ، شاگرد ارسطو ۲۱۰
- اسکندر مثل افلاطون و استاد خویش ارسطو ، پایید به بین خرافی یونان بود ۲۱۰
- جنایات اسکندر (شاگرد ارسطو) در فلسطین ۲۱۰
- جنایات اسکندر (شاگرد ارسطو) در ایران ۲۱۱
- اسکندر (شاگرد ارسطو) ادعای خدائی کرد ۲۱۱
- ۴-فلوطین ۲۱۴
- مبنای فلسفه فلوطین ، فلسفه یونان است ۲۱۶
- معرفت شناسی فلوطین ۲۱۸
- فلوطین شارح افکار افلاطون ۲۱۹
- فلوطین تفسیری شرقی_عرفانی از دین یونان ارائه میدهد ۲۱۹
- به نظر فلوطین طبق دین یونان ،وظیفه فلسفه هماهنگی بین روح است ۲۱۹
- فلوطین می گوید:عقل، خداست ۲۲۰
- عقل و زنوس ۲۲۱
- اتحاد عقل و عاقل و معقول ۲۲۱
- فلوطین عقیده دارد طبیعت، آفریننده آدمیان است ۲۲۱

- ۲۲۱.....فلوطین میگوید: خدا خویشتن دار و شجاع نیست
- ۲۲۲.....فلوطین معتقد است: خدایان علم ندارند
- ۲۲۳.....فلوطین شرط خدا شدن، انسانها را بیان می کند
- فلوطین معتقد است اقسام سه گانه ۱-نیک جهان، ۲-عقل جهان، ۳-روح جهان در
- ۲۲۳.....انسانها نیز وجود دارند
- ۲۲۳.....قاعدهء واحد
- ۲۲۳.....فلوطین می گوید: جهان معقول ، خالق جهان است
- ۲۲۴.....دیدار خدایان
- ۲۲۴.....فلوطین و ستاره پرستی
- ۲۲۴.....فلوطین خدایان را مادی می داند
- ۲۲۵.....فلوطین خورشید را خالق موجودات می داند
- ۲۲۵.....فلوطین معتقد است ستاره ها از حسیّ شبنوائی و حسیّ بینائی برخوردارند
- ۲۲۵.....فلوطین ستارگان را خدایان، مستجاب الدعوه، میدانند
- ۲۲۵.....فلوطین می گوید: خدایان آسمانی، بی عقل هستند
- ۲۲۶.....فلوطین می گوید: ستارگان (خدایان) از زئوس الهی میکنند
- ۲۲۶.....فلوطین می گوید: خورشید و ستاره ها بعنوان خدایان ، دعا را می فهمند
- ۲۲۷.....فلوطین و بت پرستی
- ۲۲۷.....جهان بینی فلوطین، مبتنی بر دین خرافی، یونان باستان است
- ۲۲۸.....زئوس، بت بزرگ یونان باستان
- ۲۲۹.....فلوطین و زئوس پرستی (خدای شهوت باز، یونان باستان)
- ۲۳۰.....فلوطین می گوید: خدا علم ندارد و حافظه او ضعیف است
- ۲۳۱.....فلوطین و هرکول (خدای زورمندان)
- ۲۳۲.....فلوطین فیلسوف محبوب صدرائیسیم در مورد خدای قدرت خویش (هرکلس) میگوید
- ۲۳۲.....فلوطین و آتنا (خدای زنان زیباروی یونان باستان)
- ۲۳۳.....فلوطین و هلن (خدای روسپیان یونان باستان)
- ۲۳۴.....فلوطین و آفرودیت (خدای مادیانه یونان که به شوهر خویش خیانت نمود)
- ۲۳۵.....فلوطین میگوید: فلاسفه باید در بتخانه ها عریان شوند
- ۲۳۵.....فلوطین و تناسخ

۲۳۵	فلوطین، همجنس بازی و اروس (خدای همجنس بازان)
۲۳۷	فلوطین، خود کشی را جائز می داند
۲۳۸	نظر فلوطین در مورد زنان
۲۳۸	تناقضات فکری در فلسفه فلوطین
۲۳۹	فلوطین و وحدت وجود
۲۴۰	فلوطین معتقد است روح ما نیز جزئی از روح جهان است
۲۴۰	فلوطین معتقد به جبر گرایی است
۲۴۱	فلوطین معتقد است که جهان ازلی و ابدی است
۲۴۱	ماده و صورت - قه و فعل
۲۴۱	حرکت و سکون
۲۴۲	فلوطین و فلاسفه مابلمان
۲۴۲	فلوطین و مشائی ها
۲۴۳	فلوطین و اشراقی ها
۲۴۴	اثرات فلوطین بر صدر
۲۵۰	کتابنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

بدون شک در زمان ما، به علت غلبه قالب های نظام آموزشی غربی بر جوامع شرقی، تفکر شرقی در ابعاد مختلف، غرب زده و تفکر غربی نیز یونان زده است بطوریکه فلسفه یونان زیر بنای تفکر غرب است متفکرین غربی تاریخ تمدن غرب را بر پنج دوره تقسیم می نمایند و تمدن غربی را متشکل از پنج ادوار اصلی معرفی نموده اند، این پنج ادوار تاریخی عبارتند از: ۱- عصر طلایی یا یونان باستان این دوران را منبع اصلی ساختار فرهنگ غرب میدانند ۲- عصر تاریکی یا قرون وسطای مسیحی، عصر غلبه مذهب مسیحی بر جامعه غرب است ۳- رنسانس - عصر بیداری مجدد (قرن سیزدهم میلادی به بعد) بمعنای حیات فکری مجدد است که اشاره به پیروی از حیات فکری اول در یونان باستان است ۴- نیتیه یا عصر تجدید که قرن هیجدهم به بعد را شامل می شود ۵: پست مدرنیته، یا عصر فرا جد که از جنگ جهانی دوم به بعد را شامل میشود. به علت مخالفت کلیسا با عقلانیت و علم، در زمان رنسانس، این عصر طغیان علیه ارباب کلیسا محسوب می گردد و لذا است که نویسندگان رنسانس بجای استناد به متون دینی به شدت تمایل به آثار یونان باستان دارند و این روش تاکنون بر تفکر غرب غلبه دارد. طوری که غربی ها تمام محتویات تمدن غرب اعم از مادی و معنوی را به ریشه های چه بسا محترم یونان باستان نسبت می دهند و نیز فلسفه یونان مبنای فلسفه مسلمان امثال کندی، فارابی، سهروردی، ابن سینا و صدرائیان است که ریشه در افکار افلاطون، ارسطو و فلوطین دارد پر واضح است که چنین شناخت همراه با نقد و بررسی از فلسفه یونان نمی توان به درک صحیح از ابعاد مختلف این فلسفه نائل آمد، متأسفانه غلبه گفتمان صدرائیسیم بر حوزه های علمیه، این فرصت های نقد و بررسی فلسفی را محدود و گاهی مسدود نموده است، با این حال بنده بنابر احساس وظیفه دینی باندازه و وسعت توانائی، به نقد و بررسی فلسفه رائج و ریشه های یونانی آن پرداختم چنانچه بدین منظور پس از سالها تحقیق، در سال ۱۳۸۲ هجری شمسی کتاب ((کنکاشی در تبار فلسفه یونان)) جلد یک، را به اتمام رساندم و بصورت زیراکس در اختیار اساتید و دوستان قرار دادم و در سال ۱۳۸۴ کتاب مزبور با حذف مطالبی به چاپ رسید، سپس بصورت فائل اصلی در سایتهای مختلف در اختیار دوستداران فلسفه قرار گرفت. پس از آن با چاپ مقاله های مختلف انجام وظیفه نمودم، در این مدت با تجربه در یافته ام که عده ای شخصیت گرا و یونانزده، رسم را بر آن نهاده اند که بجای شناخت درست، از افلاطون، ارسطو و فلوطین همیشه از آنها تمجید و حتی تقدیس نمایند چنانچه در ایران در چهل سال گذشته در تقدیس فلسفه یونان کتابها و مقالات بسیار زیادی به چاپ رسیده است، این نوشته کوتاه قدمی دیگر

در نقد و بررسی فلسفه یونان و یونان زده است، باید توجه نمود که معنای یک واژه را استعمال و کاربرد آن واژه مشخص مینماید، معنای کاربردی و عملی فلسفه نیز تفکر است زیرا در تعریف فلسفه، انسان فقط با تفکر، عکسی از جهان واقعی و کپیهء عالم عینی می شود بنابر این، دانش تجربی که مبنای آن حس است و دانش وحیانی که مبنای آن وحی الهی است، از حیطهء فلسفه خارج است چنانکه مراد از کتابهائی چون فلسفهء چین، فلسفهء فرانسه، فلسفهء انگلیس، تفکر کشورهای مذکور است و معنای عنوانهائی چون فلسفه هگل، فلسفه نیچه، فلسفه مارکس، فلسفه دکارت تفکر افراد مذکور است و مفهوم نامهائی کتبی چون فلسفه سیاسی، فلسفه اجتماعی، فلسفه دین، فلسفه هنر، فلسفه آموزش و دیگر فلسفه های مضاف، تفکر سیاسی و اجتماعی و دینی و هنری و آموزشی است، بنا بر این در مورد معنای واقعی فلسفه باید به چند نکته توجه شود:

۱- وقتی گفته می شود ((فلسفهء هند)) معنای آن، کشاورزی هند نیست بلکه مراد از فلسفهء هند، تفکر هند است. یا وقتی گفته می شود ((فلسفهء آلمان)) مراد از آن، صنعت آلمان نیست بلکه منظور، تفکر آلمان است و نه وقتی گفته میشود ((فلسفهء نیچه)) مراد از آن ثروت نیچه نیست بلکه منظور از آن، تفکر نیچه است.

۲- PH.D پی ایچ . دی (مخفف واژه لاتین فلاسفیا دوکتور Philosophia Doctor) بمعنای دکترای فلسفه است لذا به کسانی که در علوم انسانی اعم از سیاست، جامعه شناسی، اخلاق، روان شناسی، اقتصاد و غیره دکترای می گیرند Ph.D یعنی دکترای فلسفه می گویند اعم از سیاست، اقتصاد، جامعه شناسی، اخلاق، مردم شناسی و دیگر علوم انسانی. بر همه ((فلسفه)) اطلاق می شود، پر واضح است که اینجا فلسفه به معنای ((تفکر)) است نه آنچه پی ایچ دی در سیاست یعنی دکترای در تفکر سیاسی و پی ایچ دی در جامعه شناسی یعنی دکترای در تفکر جامعه شناسی است این فلسفه به عنوان محصول یک فیلسوف، میتواند الهی یا مادی باشد اما فلسفه ای که بر علوم مذکور حکومت دارد، مادی است زیرا این علوم محصول تفکر فلاسفه مادی گرای غربی اند.

۳- فلاسفه مسلمان مخالفین فلسفه را مخالفین تعقل و تفکر می نامند و خویش را بعنوان تاجران انحصاری تعقل و تفکر معرفی نموده و بابت تعقل و تفکر (یونان زده) از جامعه، خواهان امتیازاتی مانند امتیازات مالی و انتصاب به مقامات دولتی هستند.

۴- فلاسفه مسلمان واژه فلسفه را مترادف ((معقول)) بکار می برند که بمعنای علم عقلی، حاصل از تعقل و تفکر است. پس معنای کاربردی فلسفه، تفکر و تعقل است. اما فلسفه در اصطلاح فلاسفه مسلمان بمعنای آن چیزی است که از فلاسفه یونان به عربی ترجمه شده و در اختیار مسلمین قرار گرفته است و بر آن شروح نوشته شده. وقتی در حوزه های علمیه واژه ((فلسفه))

بصورت مطلق بکار می رود مراد تفکر نیست بلکه کتاب هائی که بعنوان شرح بر نظریات افلاطون ، ارسطو و فلوطین نوشته شده ، مراد است مثل کتاب هائی که ابن سینا، سهروردی و صدرا نوشته اند که عمده مباحث مطرح در آن کتابها شرح فلسفه یونان ازدیدگاه مسلمانان است، (به طور نمونه حرکت جوهری از هراکلیتوس و مثل از افلاطون، سنخیت در علت و معلول و قدیم و حادث از ارسطو، بسیط الحقیقت و قاعده واحد ، قوس صعودی- وجود و ماهیت - وحدت و کثرت - قوه و فعل - از فلوطین که او نیز افکار افلاطون را شرح نموده است، و مسائل مذکور از شرح اساطیری دین یونان باستان اخذ شده اند) در واقع معنای فلسفه بزرگترین میدان جنگ فرهنگهاست و هر کس آنرا به نفع خویش مصادره به مطلوب نموده و سعی در به شکست کشاندن مخالفین را دارد و از واژه فلسفه بعنوان اسلحه جنگی استفاده می نماید، چنانچه:

۱- فلسفه بمعنای واقعیت تاریخی آن شرح دین یونان باستان است که افلاطون فلسفه را بهترین هدیه خدایان یونان آموزش زئوس می داند^۱ در یونان باستان سوفیا (دانش) را فقط از آن خدایان می دانستند و دینداران آن دربار انسان را فقط دوست دار دانش می نامیدند نه دانشمند ، لذاست که سقراط خویش را فیلسوف بمعنای درست دار دانش خدایان نامید و این واژه رائج گردید، فلاسفه یونان بعلت تعصب نژادی ، غیر یونانی ها را مخالف فلسفه، بمعنای مخالف دانش و تفکر می نامیدند. ۲- فلاسفه مسلمان می گویند شروعی که ما با فلسفه یونان نوشته ایم و تفکر ضد اسلام را اسلامی جلوه داده ایم و آنرا پیچ در پیچ نموده ایم فلسفه واقعی است، و فقط ما برای فلسفه صلاحیت داریم. و مخالفین ما مخالفین عقل و تفکر هستند (یعنی بی عقل اند) توجه کنید واژه ((فلسفه)) بعنوان اسلحه جنگی چگونه علیه حریف برای شکست دادن او سعی برای ثابت نمودن بی عقلی او بکار می رود.

۳- غربی ها می گویند فلسفه دینی نداریم و فلسفه از یونان آغاز شده است در صورتی که فلسفه یونان نیز دینی و شرح دین یونان است ، آنها می گویند: فلسفه یونان در غرب ادامه حیات داده فلسفه فقط از آن ماست و فقط ما هستیم که صلاحیت تفکر را داریم. بقیه این افتخار را ندارند و از تفکر محروم هستند یعنی، ما عاقل و بقیه بی عقل اند.

پس بین سه گروه مذکور جنگ قدرت فرهنگی و اکتساب منصب عقلی، وجود دارد. در حالی که در واقع ، معنای مشترک مورد نظر هر سه گروه مذکور، تعقل و تفکر است پس فلسفه عملاً بمعنای تفکر بوده ، یعنی معنای عملی فلسفه ، همان تفکر است ، پرواضح است که فلسفه (تفکر) اسلامی واقعی نمی تواند شرح فلسفه ضد دینی یونان باشد، مهم ترین نکته ای که در این نوشته با ارائه

مدارک، مورد تاکید قرار گرفته، عبارت است از اینکه فلسفه یونان، شرح دین اساطیری یونان باستان بوده است بطوریکه سقراط خود را فرستاده آپولون معرفی نموده و کتاب او آپولوژی منسوب به آپولو یکی از خدایان یونان باستان است. و افلاطون آنرا از آموزشهای خدای خدایان یونان بنام زئوس و بهترین هدیه خدایان یونان می داند، افلاطون همچون سقراط، یکی از راهبان بزرگ یونان باستان بوده که دین یونان را شرح نموده است و آکادمی او مدرسه دینی یونان بوده، که کار پرورش طالبان دین یونان را به عهده داشته است چنانچه یکی از این طالبان که شاگرد ارسطو بود بنام اسکندر، برای گسترش تعالیم زئوس به کشور های مختلف از جمله ایران حمله نمود، همچنین کتاب اتولوجیای فلوطین در واقع ((تئولوجیا)) بمعنای دین شناسی است که در شرح دین یونان باستان (با دیدگاهی شرقی-عرفانی) است. لازم به ذکر است که نقد قسمتی از افکار فلاسفه به معنای نفی تمام افکار این افراد نیست زیرا در افکار فلاسفه یونان نیز بعضی از تفکرات مثبت یافت می شود اما این مسئله به هیچ وجه نباید به چشم پوشی از مسائل ضدارزشی مانند بت پرستی و همجنس بازی بیانجامد، متأسفانه بعضی از فلاسفه مسلمان به علت تأثیرپذیری از فلسفه یونان به نکات منفی در افکار فلاسفه یونان، به توجهی می نمایند، این وضعیّت موجب سنگین تر شدن وظیفه طلب دینی می گردد، زیرا در حالی که دشمنان تشیع و اسلام از هر طرف، قصد ضربه زدن را دارند (بزرگترین دشمن شیعه، وهابیت حوزه های علمیه را تهدید میکند) عالمان دینی نباید بی تفاوت شوند و بجای دفاع از تشیع، خدای نکرده به تضرع وقت در شرح فلسفه یونان زده بیردازند، همانطوریکه جائز نیست اختلافات فلسفی و ضد فلسفی را بجای استدالات علمی، به عناد تبدیل کنند و مخالفین را معاندین بیندارند و موجب بی احترامی به فقهی خاص شوند زیرا حُسن ظنّ بیش از حدّ فلاسفه مسلمان به فلاسفه مشرک یونان و احترام به روش های علمی موجب اعتماد افراطی فلاسفه مسلمان به فلسفه یونان شد و اینها یونانیان را بعنوان مراد و قطب پذیرفتند که موجب بزرگترین اشتباهات معرفت شناسی شد، اما با در اختیار داشتن ترجمه های واقعی و جدید از فلسفه یونان، اصرار بر تکرار اشتباهات گذشته دلیل بر تعمّد این قبیل افراد خواهد بود.